

## بررسی روایات اهل سنت در موضوع جمع آوری قرآن

سید نصرالله موسوی منش<sup>۱</sup>

**چکیده:** روایات اهل سنت در موضوع جمع آوری قرآن به پنج قسم کلی تقسیم می‌شوند و هر کدام از این اقسام دسته و گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود. اختلاف‌های موجود در مضمون این روایات باعث ایجاد تعارض و تناقض بین این اخبار شده است. از سوی دیگر، تمام این روایات خبر واحد می‌باشند، اما محفوف به قرائن قطعی هستند. این نوشتار بر آن است تا این مسأله را مورد واکاوی تحلیلی - انتقادی قرار دهد. بر اساس مهم‌ترین یافته‌های این نوشتار، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر ترغیب مسلمانان به نگاشتن آیات قرآنی، خود نیز هر آنچه از آیه‌های قرآن نازل می‌شد، توسط کاتب شخصی خود بر روی قطعه‌هایی از کاغذ، پوست، حریر و... در نسخه‌ی خاصی ثبت کرده و نزد خویش نگه‌داری می‌کرد، اما از آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال حیات بود هر لحظه احتمال نزول آیه‌های قرآنی می‌رفت، بنابراین تدوین این آیه‌ها در یک مصحف که ابتدا و انتهای مشخصی داشته باشد، تا هنگام پایان یافتن نزول قرآن، امکان نداشت؛ به همین جهت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله این وظیفه‌ی مهم را به جانشین معصوم خود که حافظ و مبین کتاب الهی بود، سپردند و امیرمؤمنان علیه السلام نیز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به این مهم پرداخت، اما مصحف ایشان به دلایلی پذیرفته نشد. از سوی دیگر، چون قرآن نخستین مرجع تشریح دین اسلام است، ضرورت داشت دستگاه خلافت وقت از دیگر حافظان و کاتبان وحی استفاده کنند تا با جمع آوری آیه‌های قرآن از روی قطعات سنگ، چوب، کاغذ، استخوان و آنچه را که در سینه‌ها به صورت متواتر حفظ شده بود، قرآن را ضبط نمایند و خلأ از دست رفتن حافظان قرآن را جبران کنند.

**واژگان کلیدی:** قرآن؛ جمع؛ جمع آوری قرآن؛ روایات اهل سنت.

\* دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱.

۱. پژوهشگر علوم اسلامی بنیاد فرهنگ جعفری/mosavimanesh14@gmail.com

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین و دقیق‌ترین مباحث علوم قرآنی، بررسی دوران نگارش و تدوین قرآن است. تاریخ و کیفیت گردآوری و تألیف قرآن از مسائل مهمی است که قرن‌های متمادی ذهن پژوهشگران علوم قرآنی را به خود مشغول ساخته است و به دلیل وجود روایات و متون تاریخی مختلف در این زمینه، موجب ایجاد آراء و دیدگاه‌های مختلف گردیده است. همه‌ی اندیشمندان بر این نظر اتفاق دارند که نگاشتن کل آیات قرآنی در زمان حیات پیامبر ﷺ انجام شده است، اما در جمع آوری و تدوین آن نوشته‌ها به شکل یک مصحف و ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها در آن زمان، اختلاف نظر دارند. می‌توان گفت: این اختلاف ناشی از فهم کلمه‌ی «جمع» و چگونگی استدلال به روایات متعارض و متناقض این باب می‌باشد. این نوشتار بر آن است تا روایات اهل سنت در موضوع گردآوری آیات قرآنی را مورد واکاوی تحلیلی - انتقادی قرار دهد.

باید گفت: در موضوع جمع آوری و تدوین آیات قرآن، روایات فراوانی از اهل سنت با مضمون‌های مختلف نقل شده است. با توجه به مضمون این روایات می‌توان آنها را به چند قسم کلی تقسیم کرد که هر کدام از این اقسام دسته و گروه‌های مختلفی را شامل می‌شوند. در ادامه به بررسی این اخبار پرداخته خواهد شد.

### ۱. روایات مربوط به دوران پیامبر اکرم ﷺ

روایات مربوط به موضوع جمع آوری آیات قرآن در زمان حیات رسول خدا ﷺ خود به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند.

۱-۱. دسته‌ی اول بر جمع آوری قرآن در دوران پیامبر اکرم ﷺ دلالت دارند که خود نیز به چند گروه تقسیم می‌شوند.

۱-۱-۱. روایاتی که دلالت می‌کنند افراد انگشت شماری در زمان حیات رسول خدا ﷺ

آیات قرآن را گرد آورده‌اند. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۷، ح ۳۸۱۰ و ج ۶، ص ۱۸۷، ح ۵۰۳-۵۰۴؛ مسلم نیشابوری، المسند الصحیح، ج ۴، ص ۱۹۱۴، ح ۲۴۶۵؛ ابن حنبل، المسند، ج ۲۱، صص ۱۱۴ و ۳۷۹، ح ۱۳۴۴۱ و ۱۳۹۴۲؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۱۲، ح ۱۵۷۲۲ و ج ۱۰، صص ۴۱-

۴۲، ح ۱۶۵۳۷-۱۶۵۳۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۵۸۹، ح ۴۷۹۷-۴۷۹۸. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۶۱، ح ۲۰۹۲ و ج ۶، ص ۵۴، ح ۵۴۹۲؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، صص ۱۱۳۰ و ۱۲۹۳؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵، ح ۲۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۹، ص ۱۷۸؛ ابن ندیم، الفهرست، ج ۱، ص ۴۵؛ نسایی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۸۰۱؛ ابن حبان، الصحیح، ج ۳، ص ۳۳، ح ۷۵۶؛ سیوطی، الإتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۰) با بررسی این گروه از روایات چندین نکته قابل تأمل است:

یک: این دسته از متون و روایات از نوع «خبر واحد» می‌باشند که به خودی خود علم آفرین نخواهد بود. قاضی أبوبکر باقلانی در کتاب «الانتصار للقرآن» به این موضوع تصریح کرده و علاوه بر آن به ضعف سند و عدم دقت در نقل و ضبط این نوع اخبار نیز اذعان دارد. ایشان می‌گوید: «نخستین سخنی که در این باره (حفظ و گردآوری قرآن) می‌گوییم، این است که اخبار مربوط به حفظ این افراد، خبر واحد بوده و به گونه‌ی مختلف و متفاوت نقل شده است که دلالت بر اضطراب، ضعف سند و عدم دقت در نقل و ضبط این اخبار می‌کند». (باقلانی، الانتصار للقرآن، ج ۱، ص ۱۶۶)

دو: در تعداد و نام جمع کنندگان ذکر شده در این گونه متون اختلاف وجود دارد. همین مسأله باعث ایجاد تعارض و گاه تناقض بین آنها شده است. وجود تعارض و تناقض باعث می‌شود که این گونه روایات، از حجیت و اعتبار ساقط شوند. باقلانی در این زمینه می‌گوید: «بیشتر این روایات از جهت زیاده و نقصان، مختلف، متفاوت و مضطرب می‌باشند». (باقلانی، الانتصار للقرآن، ج ۱، ص ۱۷۱)

سه: برخی از اندیشمندان اهل سنت سعی در توجیه تعارض و تناقض موجود بین این اخبار برآمده‌اند. به عنوان نمونه، «ابن حجر عسقلانی» به جهت تعارض حدیث انس بن مالک - که عدد جمع کنندگان قرآن را در چهار نفر محصور کرده - با دیگر روایات، هشت توجیه از «أبوبکر باقلانی» بدین شرح نقل می‌کند:

۱- حدیث انس مفهوم ندارد، بنابراین از سخن وی لازم نمی‌آید که غیر از این افراد (چهار نفر) قرآن را گردآوری نکرده باشد.

۲- منظور از سخن انس این است که کسی جز این چهار نفر، قرآن را بر تمام وجوه و قراءاتی که بر آن نازل شده، جمع ننموده است.

۳- منظور این است که کسی جز این چهار نفر آیات «منسوخ التلاوة» و غیر منسوخ را جمع نکرده است.

۴- منظور از جمع این چهار نفر، دریافت بدون واسطه‌ی قرآن از زبان مبارک رسول خدا ﷺ می باشد.

۵- منظور این است که تنها این افراد متصدی انتشار و آموزش قرآن شده‌اند؛ به همین جهت به جمع آن مشهور گشته و وضعیت دیگران مخفی ماند.

۶- منظور از جمع این چهار نفر، کتابت و نوشتن قرآن است. بنابراین، مطلب مذکور هیچ منافاتی با این سخن ندارد که غیر از این افراد نیز قرآن را از حفظ جمع کرده باشند، ولی افراد مذکور قرآن را هم با نوشتن و هم از حفظ جمع کرده‌اند.

۷- منظور این است که تنها این افراد آشکار نموده که تمام قرآن را در زمان حیات رسول خدا ﷺ حفظ کرده‌اند.

۸- جمع در حدیث انس به معنای گوش دادن به فرامین قرآن، اطاعت و عمل کردن به آن است. (نک: ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۹، ص ۵۱)

همچنین «نووی» و «سیوطی» در توجیه این حدیث، از «مازری» چنین نقل می‌کنند: «مازری می‌گوید:... در حدیث انس هیچ‌گونه تصریحی مبنی بر اینکه غیر از این چهار نفر قرآن را جمع آوری نکرده، وجود ندارد. چه بسا مراد انس از این سخن یعنی افرادی از انصار که قرآن را جمع آوری نموده و او از آنها آگاهی دارد چهار نفر می‌باشند، اما وی دیگر را که به آنها علم ندارد نفی نکرده است؛ زیرا اگر نفی می‌کرد لازمه‌ی آن نفی آگاهی از خودش می‌باشد». (نووی، المنهاج، ج ۱۶، ص ۱۹؛ سیوطی، الدبیاج علی مسلم، ج ۵، ص ۴۲۸)

چهار: در معنای و مفهوم «جمع قرآن» که در این روایات ذکر شده، دو نگاه متفاوت وجود دارد.

در نگاه نخست که نگاه بسیاری از اندیشمندان اهل سنت نیز بوده و هست، «جمع

قرآن» به معنای «حفظ قرآن» دانسته شده است. در ذیل به چند مورد از طرفداران این نگاه اشاره می‌گردد.

\* بدرالدین عینی در کتاب «عمده القاری»، مبارکفوری در کتاب «تحفه الأحوذی»، قسطلانی در کتاب «ارشاد الساری» و ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباری» ذیل حدیث انس، «جمع قرآن» را به معنای حفظ آن دانسته‌اند. (نک: عینی، عمده القاری، ج ۱۶، ص ۲۷۲؛ مبارکفوری، تحفه الاحوذی، ج ۱۰، ص ۱۷۸؛ قسطلانی، ارشاد الساری، ج ۶، ص ۱۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۷، ص ۱۲۷)

\* سیوطی در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» این حدیث را در نوع بیستم، ذیل عنوان «حافظان و روایت کنندگان قرآن» ذکر می‌کند. این امر نشان می‌دهد که وی جمع را به معنای «حفظ» می‌داند.

\* زرکشی نیز در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» ذیل عنوان «فی بیان من جمع القرآن حفظاً من الصحابة علی عهد رسول الله ﷺ» (در بیان اینکه افرادی از یاران رسول خدا ﷺ قرآن را در حافظه جمع آوری کردند) به برخی از روایات این گروه استدلال می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت: وی نیز کلمه «جمع» یاد شده در این روایات را به معنای «حفظ» می‌داند. \* زرقلانی در کتاب «مناهل العرفان فی علوم القرآن» بسیاری از روایات گذشته را در مبحث هشتم ذیل عنوان «جمع القرآن بمعنی حفظه فی الصدور» (جمع آوری قرآن به معنای سپردن آن در سینه‌ها) آورده و این نشان می‌دهد که ایشان نیز کلمه «جمع» ذکر شده در این روایات را به معنای «حفظ» پذیرفته است.

\* از اندیشمندان امامیه نیز آیت الله سید محمد حسین طباطبایی رحمته الله علیه در کتاب «قرآن در اسلام» در بحث «طبقات قراء» چنین می‌نویسد: «مراد از جمع کردن قرآن که در بعضی از آثار به چهارتن از انصار و در بعضی به پنج و در بعضی به شش و در بعضی به بیشتر نسبت داده شده تعلم و حفظ همه‌ی قرآن می‌باشد، نه تألیف و ترتیب سوره و آیات آن، و گرنه هیچ موجبی برای دو فخره جمع و ترتیب مصحف که در عهد خلیفه‌ی اول و خلیفه‌ی سوم باشد، نبود». (طباطبایی، قرآن در اسلام، صص ۲۰۴-۲۰۵)

در نگاه دوم که مربوط به برخی از علمای امامیه می‌باشد، کلمه‌ی «جمع» به معنای تدوین دانسته شده است. به عنوان نمونه:

\* آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی رحمته‌الله در تفسیر «البیان» در بحث جمع قرآن پس از استدلال به برخی از این روایات بر «جمع آوری قرآن در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» چنین می‌نگارد: «چه بسا کسی بگوید: مراد از جمع در این روایات به معنای تدوین نیست، بلکه به معنای جمع در سینه‌ها (حفظ) می‌باشد. در پاسخ باید گفت: این سخن ادعای بدون شاهد و دلیل است». (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵۱)

\* سید محمد باقر حکیم در کتاب «علوم القرآن» در فصل «تدوین القرآن فی زمن النبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» پس از نقل چند حدیث از این روایات می‌نویسد: «ناگزیر باید مراد از "جمع" در این روایات همان "تدوین" باشد؛ چرا که معقول نیست عدد حافظان قرآن، این تعداد محدود باشد». (حکیم، علوم القرآن، ص ۱۰۷)

۱-۲. حدیث نبوی که در آن به گرفتن قرآن از افراد خاصی دستور داده شده است.

(نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، ص ۱۸۶، ح ۴۹۹۹ و ج ۵، ص ۳۶، ح ۳۸۰۸)

با بررسی حدیث یاد شده می‌توان گفت:

(الف) این حدیث از نوع «خبر واحد» است که به خودی خود علم آفرین نیست و نمی‌توان بدان استدلال کرد.

(ب) با وجود اصحاب بزرگی همچون امیرمؤمنان علیه‌السلام، معنایی ندارد که قرآن تنها از راه این چند نفر فراگرفته شود.

(ج) با فرض پذیرش، این حدیث، دلالت بر جمع و تدوین قرآن به همراه ترتیب آیات و سوره‌ها در یک مجموعه‌ی خاص نمی‌کند و تنها به فراگیری قرآن از افراد خاصی اشاره دارد. این فراگیری به صورت آیات و سوره‌های پراکنده از حافظه‌ی آن افراد نیز امکان دارد و نیازی به جمع و ترتیب آنها در یک مجموعه‌ی خاص نیست که ابتدا و انتهای آن مشخص باشد. با توجه به اینکه نزول قرآن در دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تدریجی بوده، این احتمال قابل قبول است.

۱-۱-۳. حدیث مشهور زید بن ثابت که حکایت از تألیف قرآن در زمان حیات پیامبر ﷺ می‌کند. (نک: حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۲، صص ۲۴۹ و ۶۶۸، ح ۲۹۰۱ و ۴۲۱۷) سیوطی در ذیل این حدیث از بیهقی چنین نقل می‌کند: «بیهقی گوید: چه بسا مراد از سخن زید بن ثابت، تألیف و جمع آیه‌های پراکنده در سوره‌ها به دستور پیامبر اکرم ﷺ باشد». (سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۳)

۱-۱-۴. حدیث حاکی از اینکه افرادی در زمان رسول گرامی ﷺ قرآن را ختم کرده‌اند. (نک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۵۹۰، ح ۴۷۹۹)

با بررسی این حدیث نیز می‌توان گفت:

الف) هر چند این حدیث از نوع «خبر واحد» بوده و به خودی خود علم آفرین نیست، اما این حدیث تنها به ختم قرآن تصریح دارد و دلالت بر جمع و تدوین قرآن به همراه ترتیب آیات و سوره‌ها در یک مجموعه‌ی خاص نمی‌کند؛ چون ختم قرآن از محفوظات نیز امکان پذیر است و نیازی به قرائت نگاشته‌ها نیست.

ب) از آنجا که در دوران حیات رسول خدا ﷺ آیه‌های قرآن به تدریج نازل و ابلاغ گردیده است، ختم در این حدیث نمی‌تواند ختم کل قرآن باشد. بنابراین با فرض پذیرش این حدیث باید گفت: منظور از ختم، ختم آیه‌هایی است که تا آن زمان ابلاغ گردیده است. آری، در صورتی می‌توان ادعا کرد این ختم، ختم کل قرآن است که چنین ختمی در لحظات آخر حیات شریف پیامبر اکرم ﷺ صورت پذیرفته باشد، اما چنین امری به دلیل محدودیت زمانی امکان پذیر نبوده، مگر از راه اعجاز؛ که در این فرض نیز هیچ دلالتی بر جمع و تدوین قرآن به معنای گفته شده نخواهد داشت.

۱-۱-۵. حدیث نبوی که مقدار ثواب قرار داده شده برای قرائت قرآن از روی مصحف را بیان می‌کند. (نک: هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۶۵، ح ۱۱۶۶۸)

این حدیث نیز از نوع «خبر واحد» است و نهایت مطلبی که بر آن دلالت می‌کند، بیان کردن مقدار ثواب مترتب بر خواندن قرآن از روی مصحف یا حافظه است، اما بر این مطلب که در مصحف یاد شده کل قرآن جمع آوری شده باشد، هیچ گونه دلالتی ندارد. می‌توان گفت: این حدیث در جهت تشویق مسلمانان به نوشتن آیه‌های قرآن است؛ چون هنگامی

که ثواب خواندن قرآن از روی نگاهشسته‌ها بیش از خواندن آن از حافظه باشد، مسلمانان نیز به نوشتن آیه‌ها و خواندن آنها از روی نوشته‌ها تشویق خواهند شد.

۱-۱-۶. حدیثی که دلالت می‌کند پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تنها چیزی که پس از خویش بر جای گذاشته، همان قرآن نوشته شده است. (نک: بیهقی، شعب الإیمان، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۷۰) باید گفت: این حدیث علاوه بر خبر واحد بودن که به خودی خود علم آفرین نمی‌باشد، تنها نشان می‌دهد که قرآن به عنوان یک میراث گران بها از سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از رحلت خویش بر جای مانده است، ولی دلالتی بر جمع و تدوین همه‌ی آیه‌های قرآن به همراه ترتیب آنها در یک مجموعه‌ی خاص ندارد.

۱-۱-۷. روایاتی که حکایت از ترتیب آیات و سوره‌ها به دستور رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام نزول قرآن می‌کنند. (نک: بیهقی، السنن الکبری، ج ۲، ص ۶۳، ح ۲۳۷۶؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۱؛ ابن حنبل، المسند، ج ۲۹، ص ۴۴۱، ح ۱۷۹۱۸)

نکته‌ی قابل ذکر اینکه در متون دیگری آمده که نازل شدن «بسم الله الرحمن الرحيم» نشانه‌ی شروع سوره‌ی جدید و تمام شدن سوره‌ی قبلی است. (نک: بیهقی، السنن الکبری، ج ۲، ص ۶۳، ح ۲۳۷۷ و ۲۳۷۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۵۸۰، ح ۴۷۷۲). بنابراین از آنجا که «بسم الله الرحمن الرحيم» جداکننده‌ی سوره‌ها است، تعیین مکان آیه‌ها در سوره‌های مختلف معنایی نخواهد داشت! چون تا زمانی که «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل نشده باشد، هر آنچه از آیه‌ها نازل شود مربوط به همان سوره خواهد بود.

از سوی دیگر، چون نزول و ابلاغ آیه‌های قرآن، تدریجی و بر اساس شرایط زمانی و مکانی بوده است، چنانچه مصحف‌ها را همانند دفتری در نظر بگیریم که ابتدا و انتها داشته باشد و صفحات سفید آن - بدون در نظر گرفتن جنس آنها- از ابتدا تا انتها به مرور و با نوشتن پر شوند، تعیین مکان آیه‌ها در سوره‌های مختلف، باعث تغییر مداوم و همیشگی مصحف‌ها خواهد بود.

افزون بر این، آیت الله طباطبایی رحمته الله علیه در کتاب «قرآن در اسلام» چنین می‌گوید: «آنچه در برخی از روایات وارد شده که جای هر یک از سوره و آیات قرآن مجید به دستور خود

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله معین و مشخص بود، مطلبی است که بقیه‌ی روایات عموماً آن را تکذیب می‌کند». (طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۲۰۵)

۲-۱. دسته‌ی دوم، روایاتی است که جمع آوری قرآن در دوران حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله را نفی می‌کنند. (سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۲)

با بررسی این دسته از روایات می‌توان گفت:

الف) مضمون این دسته از روایات با روایات دسته‌ی اول تعارض و تناقض دارد.

ب) این روایات هیچ‌گونه منافاتی با حفظ قرآن و نوشتن آیه‌ها بر روی اشیای مختلف در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندارند.

ج) برای جمع نشدن قرآن در این گونه متون می‌توان چندین احتمال در نظر گرفت:  
 ۱- جمع نشدن آیه‌ها در سوره‌ها ۲- مرتب نشدن سوره‌ها ۳- جمع نشدن آیه‌ها و سوره‌ها در یک مکان همانند پارچه، خورجین، کیسه و... ۴- نوشته نشدن آیه‌ها و سوره‌ها و مرتب نشدن آنها در یک مصحف.

## ۲. روایات مربوط به جمع آوری قرآن توسط امیرمؤمنان علیه السلام

این دسته از روایات دلالت می‌کنند که جمع آوری قرآن بلافاصله پس از رحلت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و توسط امیرمؤمنان علیه السلام صورت گرفته است. مضمون بسیاری از این روایات بدین صورت است که امیرمؤمنان علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله از بیعت با خلیفه‌ی اول سر باز زده، به جمع آوری قرآن مشغول شده و با خود عهد بست تا زمانی که قرآن را جمع نکرده ردای خویش را بر دوش نگذارد مگر برای نماز. (نک: ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۷۴؛ محب الدین طبری، الریاض النضره، ج ۱، ص ۲۴۲؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۶، ص ۱۴۸، ح ۳۰۲۳؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۲۰۴ و ۲۴۸؛ ابن ابی داود، المصاحف، صص ۵۹-۶۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، صص ۱۲۷-۱۲۸، ح ۳۶۴۰۳؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۳۶-۳۸، ح ۲۳-۲۶؛ ابن ندیم، الفهرست، صص ۴۵-۴۶؛ أبونعیم، حلیه الأولیاء، ج ۱، ص ۶۷؛ یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۵)

### ۳. روایات مربوط به دوران خلافت أبوبکر

روایات مربوط به موضوع جمع آوری قرآن در زمان خلافت أبوبکر خود به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند.

۱-۳. دسته‌ی اول دلالت می‌کنند که جمع آوری قرآن در زمان خلافت أبوبکر و به دستور او صورت گرفته است. این روایات به چند گروه تقسیم می‌شوند.

۱-۱-۳. روایاتی که با صراحت نخستین جمع‌کننده‌ی قرآن را أبوبکر می‌دانند. (نک:

ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۶، ص ۱۴۸، ح ۳۰۲۲۹ و ۳۰۲۳۱؛ محب الدین طبری، الرياض النضرة، ج ۱، ص ۱۶۲؛ ابن ابی داود، المصاحف، صص ۴۸-۵۰؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۲۰۴، ۲۰۶ و ۲۰۷-۲۰۸؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۶)

۲-۱-۳. روایاتی که دلالت می‌کنند پس از آنکه قاریان و حافظان قرآن در جنگ یمامه کشته شدند، أبوبکر دستور جمع آوری قرآن را صادر کرد. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، صص ۷۱ و ۱۸۳، ح ۴۶۷۹ و ۴۹۸۶؛ ج ۹، صص ۷۴-۷۵، ح ۷۱۹۱؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۲، صص ۶۰-۶۱، ح ۲۳۷۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، صص ۵۷۵-۵۷۶، ح ۴۷۶۲؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۵)

۳-۱-۳. روایاتی که کیفیت جمع آوری آیات قرآن در زمان خلافت أبوبکر را حکایت می‌کنند. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، ص ۱۸۴، ح ۴۹۸۹؛ ابن ابی داود، المصاحف، ص ۵۱؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۵۷۴، ح ۴۷۵۶ و صص ۵۷۶-۵۷۷، ح ۴۷۶۴)

۴-۱-۳. حدیثی که دلالت می‌کند متصدی جمع قرآن شخص أبوبکر بوده است. (نک: ابن عبدالبر، التمهید، ج ۸، ص ۳۰۰؛ ابن ابی داود، المصاحف، ص ۵۷؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۶؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۷)

۲-۳. این دسته از متون دلالت می‌کنند که أبوبکر قرآن را جمع نکرده است. سیوطی در کتاب «الإیتقان» می‌گوید: «ابن اشته در کتاب "المصاحف" با سند صحیح از محمد بن سیرین نقل می‌کند که وی گفت: أبوبکر از دنیا رفت در حالی که قرآن هنوز جمع آوری

نشده بود». (سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۸) همو در ادامه از ابن اشته چنین نقل می‌کند: برخی گفته‌اند: منظور از «جمع نکردن» یعنی تمام قرآن را از حفظ قرائت نکرده است. برخی دیگر نیز گفته‌اند: مراد از جمع، «جمع مصاحف» است. وی در کتاب دیگر خود به نام «تاریخ الخلفاء» چنین دارد: «ابن اُبی داود از شعبی چنین نقل می‌کند: ابوبکر از دنیا رفت و موفق به جمع آوری تمام قرآن نگردید». (سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۸) همو در ادامه دارد: این حدیث دفع می‌شود یا به این معنا قابل تأویل است که مراد از جمع، جمع نشدن قرآن در یک مصحف - بر اساس ترتیب عثمان - است.

#### ۴. روایات مربوط به دوران خلافت عمر

روایات مربوط به موضوع جمع آوری آیات قرآن در زمان خلافت عمر بن خطاب، خود به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند.

۱-۴. روایاتی که دلالت می‌کند جمع آوری قرآن در زمان خلافت عمر صورت گرفته است. (نک: ابن اُبی داود، المصاحف، ص ۶۰ و ۶۳؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۲۰۴-۲۰۵؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۳؛ متقی هندی، کنز العمال؛ ج ۲، صص ۵۷۵ و ۵۷۸، ح ۴۷۶۰ و ۴۷۶۷)

سیوطی پس از نقل حدیث اول می‌گوید: سند حدیث منقطع است و منظور از جمله‌ی: «فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَهُ» (وی نخستین شخصی بود که قرآن را جمع آوری کرد) یعنی نخستین شخصی است که پیشنهاد جمع آوری آن را داد. (نک: سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۵)

ابن حجر عسقلانی نیز به حدیث یاد شده اشاره کرده و می‌گوید: سند حدیث منقطع است و اگر محفوظ باشد چنین حمل می‌شود که جمله‌ی: «فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَهُ» (وی نخستین شخصی بود که قرآن را جمع آوری کرد) یعنی نخستین شخصی بود که در زمان خلافت ابوبکر پیشنهاد جمع آوری آن را داد و به همین سبب جمع قرآن به وی نسبت داده می‌شود. (نک: ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۳)

۲-۴. دسته دوم جمع آوری قرآن در دوران عمر را نفی می‌کنند. (نک: ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۲۴؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۸؛ ابن ابی داود، المصاحف، ص ۶۲؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۶، ص ۱۱۶، ح ۲۹۹۲۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، صص ۵۷۴-۵۷۵ و ۵۷۸-۵۷۹، ح ۴۷۵۷، ۴۷۵۹ و ۴۷۶۸)

### ۵. روایات مربوط به دوران خلافت عثمان

روایات مربوط به موضوع جمع آوری قرآن در زمان خلافت عثمان، خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند.

۱-۵. دسته اول گویای جمع آوری قرآن در زمان خلافت عثمان است که خود به چند گروه تقسیم می‌شوند.

۱-۱. روایاتی که می‌رساند در فتح ارمینیه و آذربایجان میان شامیان و عراقی‌ها در قرائت قرآن اختلاف صورت گرفت؛ به همین علت عثمان تصمیم گرفت که قرآن را در چندین نسخه جمع آوری کند. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، صص ۱۸۳-۱۸۴، ح ۴۹۸۷؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۲۰۸-۲۰۹؛ ابن ابی داود، المصاحف، صص ۸۸ و ۹۳-۹۴؛ ابن حبان، الصحیح، ج ۱۰، ص ۳۶۵، ح ۴۵۰۷؛ بیهقی، السنن الكبرى، ج ۲، صص ۶۱-۶۲، ح ۲۳۷۴) باید گفت: این روایات به روشنی گویای این مطلب‌اند که آن جمعی که در زمان خلافت ابوبکر صورت گرفته است، جمع آوری قرآن در مصحفی نبوده که ابتدا و انتهای مشخصی داشته باشد، بلکه آیه‌ها در صحیفه‌های جداگانه جمع آوری شده بود.

۲-۱-۵. روایاتی که اختلاف شدید بین مسلمانان در قرائت قرآن در زمان خلافت عثمان را می‌رساند که در پی آن، عثمان تصمیم به جمع آوری قرآن می‌گیرد. (نک: ابن ابی داود، المصاحف، صص ۹۵-۹۶، ۱۰۰-۱۰۲ و ۱۰۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، صص ۵۸۲-۵۸۳ و ۵۸۴-۵۸۶، ح ۴۷۷۶، ۴۷۷۹، ۴۷۸۰ و ۴۷۸۲؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۹)

۳-۱-۵. روایاتی که کیفیت نوشتن آیات و سوره‌ها در زمان خلافت عثمان را حکایت می‌کنند. (نک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، صص ۵۸۰ و ۵۸۸، ح ۴۷۷۱، ۴۷۷۲ و ۴۷۹۳)

۴-۱-۵. روایاتی که کیفیت رونوشت آیه‌های قرآن در مصحف در زمان خلافت عثمان را

می‌رسانند. (نک: ابن‌ابی‌داود، المصاحف، صص ۱۰۶، ۱۲۰، ۱۲۲ و ۱۲۷؛ متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۲، صص ۵۸۶-۵۸۷، ح ۴۷۸۳-۴۷۸۵، ۴۷۸۷ و ۴۷۸۹)

۲-۵. بر اساس روایات دسته‌ی دوم، عثمان تنها مسلمانان را بر یک مصحف جمع کرده و به یک قرائت وادار نموده است. (نک: بیهقی، السنن الکبری، ج ۲، ص ۶۲، ح ۲۳۷۵؛ ابن‌ابی‌داود، المصاحف، صص ۶۹ و ۹۷-۹۸؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۱۰؛ متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۲، صص ۵۸۰-۵۸۱ و ۵۸۳-۵۸۴، ح ۴۷۷۴ و ۴۷۷۷)

## ۶. بررسی کلی روایات

در نقد و بررسی کلی روایات یاد شده باید گفت:

اول: استدلال به روایات أهل سنت به معنای پذیرش آنها نیست، بلکه به معنای الزام خصم است به مطالبی که مورد پذیرش اوست؛ چرا که اصل اولیه نزد امامیه نپذیرفتن روایات أهل سنت و عمل نکردن به آنهاست؛ شیخ حر عاملی رحمته‌الله در همین زمینه می‌فرماید: «فقد تواترت الأحادیث عن أئمتنا عليهم السلام بالنهي عن رواية أحاديث العامة وإن كانت في مدح أهل البيت عليهم السلام، كما روى في عيون الأخبار، وغيره، وعن العمل بها، بل ورد عنهم الأمر بمخالفتها إذا لم يكن عندنا دليل يوافقها». (از امامان معصوم ما روایات متواتر وارد شده که از نقل روایات أهل سنت و عمل به آنها - هر چند در مدح أهل بیت عليهم السلام باشد - نهی فرموده‌اند، بلکه از آن حضرات عليهم السلام دستور رسیده که اگر مدرکی مبنی بر موافقت با آنها نداشتیم، مخالف آنها عمل کنیم). (حر عاملی، الفوائد الطوسیه، ص ۳۶۵)

دوم: سند این روایات - به جز تعداد اندکی از آنها - بر همان مبنای مورد پذیرش أهل سنت، مخدوش و غیر قابل استناد می‌باشند.

سوم: روایات ذکر شده از نوع «خبر واحد» است که به خودی خود علم‌آفرین نمی‌باشند. چهارم: برخی از راویان این روایات، همانند انس بن مالک و امثال وی، به سبب اثبات دروغ آنها در روایات دیگر، قابل اعتماد نیستند؛ چرا که او و مانند او به خاطر مصلحت خود تا می‌توانستند دروغ می‌گفتند. مؤید این گفتار، حدیث «طیر مشوی» (پرنده‌ی بریان) است؛ با اینکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منتظر قدوم بهترین خلق خدا امیرمؤمنان علیه‌السلام بود، انس

چندین بار حضرت علیه السلام را با دروغ‌گویی از ورود به منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله منع کرد و ایشان را برگرداند، چرا که او نمی‌خواست این فضیلت و منقبت، نصیب امیرمؤمنان علیه السلام گردد. (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۵، ص ۲۰۰؛ ج ۴۲، صص ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۳ و ج ۴۵، ص ۸۴؛ ابن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۷، ص ۲۸۴؛ ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، صص ۱۳۸ و ۱۴۰؛ أبونعیم اصفهانی، ذکر أخبار اصهبان، ج ۱، ص ۲۳۲؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۷، صص ۳۸۸-۳۹۰؛ قندوزی، ینابیع المودة، ج ۱، صص ۱۷۵-۱۷۶). بنابراین چگونه می‌توان به روایات چنین افرادی اعتماد کرد که هیچ ابایی از دروغ گفتن ندارند!؟

پنجم: همان‌گونه که گذشت، این روایات از لحاظ مدلول، اضطراب، تعارض و تناقض بسیار شدیدی که با همدیگر دارند؛ تا آنجا که علاوه بر اختلاف در زمان نخستین جمع آوری، نخستین جمع‌کننده و تعداد جمع‌کنندگان، تعدادی از آنها جمع آوری قرآن را در دوره‌ی خاصی (همانند دوران حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا دوران خلافت ابوبکر یا عمر یا عثمان) اثبات می‌کنند و تعدادی دیگر جمع آوری قرآن را در همان دوره‌ی خاص نفی می‌کنند.

آیت‌الله خویی رحمته الله علیه از جمله محققان بزرگ امامیه در تفسیر «البیان» پس از نقل بیست و دو روایت از مهم‌ترین روایات اهل سنت در باب کیفیت جمع آوری قرآن پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر چند این اخبار در شمار خبر واحد بوده و مفید علم نیستند، اما از جهات مختلفی نیز مخدوش هستند، سپس ایشان جهت‌های خدشه‌دار شدن این اخبار را بدین‌گونه برمی‌شمارد.

جهت اول، تناقض این اخبار است که باعث می‌شود نتوان به آنها اعتماد نمود. ایشان در این جهت دوازده تناقض به صورت سؤال و جواب مطرح می‌کند.

جهت دوم، این اخبار با روایات دیگری که دلالت بر جمع آوری و تدوین قرآن در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌کنند، تعارض دارند و برای این تعارض چندین شاهد می‌آورد.

جهت سوم، تعارض روایات جمع آوری با آیه‌های قرآن است؛ چرا که بسیاری از آیه‌های قرآن - همچون آیه‌های تحدی - بر این امر دلالت دارند که سوره‌های قرآن در میان مردم و

حتی مشرکان و اهل کتاب انتشار یافته بود و این بدان معناست که قرآن در دسترس آنها بوده است.

جهت چهارم، مخالفت روایات جمع آوری قرآن با حکم عقل است؛ زیرا عظمت قرآن، اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان به حفظ و تلاوت قرآن و ثواب مترتب بر آن، با جمع آوری قرآن به شکلی که در روایات جمع آمده منافات دارد.

جهت پنجم، مخالفت روایات جمع قرآن با اتفاق نظر همه‌ی مسلمانان است که تنها راه اثبات قرآن را تواتر می‌دانند؛ زیرا مضمون این روایات می‌گوید: اثبات آیات قرآن در زمان جمع آوری منحصر به شهادت یک یا دو شاهد بوده است، بنابراین لازمه‌ی این سخن اثبات قرآن از راه خبر واحد خواهد بود؛ در حالی که هیچ مسلمانی نمی‌تواند به این سخن پایبند شود.

جهت ششم، لازمه‌ی صحیح دانستن روایات جمع آوری قرآن، قول به تحریف از جهت زیاده در آیه‌ها می‌باشد؛ چرا که وقتی این روایات را صحیح فرض کنیم و بتوان با آنها بر نقص آیه‌ها استدلال کرد، لازمه این استدلال قول به تحریف از جهت زیاده نیز وجود دارد. (نک: خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، صص ۲۴۷-۲۵۷)

مرحوم آقای بلاغی رحمته الله علیه نیز در مورد این روایات می‌نویسد: «در این روایات آمده که ابوبکر خود ابتدئاً پیشنهاد جمع قرآن را داده و از زید بن ثابت تقاضا نمود که قرآن را جمع نماید، اما این کار بر زید سنگینی کرد. ابوبکر نیز آن قدر به او رجوع کرد تا در نهایت، زید پذیرفت. همچنین در این روایات وارد شده که زید بن ثابت خود ابتدئاً پیشنهاد جمع قرآن را داده و تصمیم بر این کار گرفت. او در این امر با عمر سخن گفت. عمر نیز با ابوبکر در میان گذاشت و سرانجام ابوبکر با مسلمانان مشورت کرد. همچنین در آنها آمده که ابوبکر خود در زمان خلافت خویش قرآن را جمع کرد. همچنین در این روایات وارد شده که عمر در حالی کشته شد که موفق به جمع قرآن نشد. همچنین در آنها آمده که عثمان خود در زمان خلافتش دستور جمع آوری قرآن را صادر کرد. همچنین در آنها وارد شده که عمر خود هنگامی که قصد جمع آوری قرآن را داشت، به زید بن ثابت و سعید بن عاص دستور

داد که زید املا کند و سعید بنویسد. همچنین در آنها آمده که دستور املا و نوشتن توسط عثمان در زمان خلافت خویش و پس از کشته شدن عمر صورت گرفته است. همچنین در آنها وارد شده که املاکننده اَبی بن کعب، نویسنده زید و اعراب دهنده سعید بوده است. در حدیث دیگر آمده که سعید و عبدالله بن حارث اعراب دهنده‌ی قرآن بوده‌اند. این موارد برخی از مصادیق اضطرار و تعارض در این روایات است». (بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۹)

ششم: چنانچه کسی بخواهد از قاعده‌ی تخییر برای رفع تعارض این روایات استفاده کند، خواهیم گفت: چنین قاعده‌ای در اینجا جاری نخواهد شد؛ چرا که تردید همیشه قبل از تحقق عمل است و پس از آن دیگر معنایی نخواهد داشت. بنابراین در مورد روایات جمع آوری قرآن باید گفت: نخستین جمع آوری قرآن در یک مصحف که ابتدا و انتهای آن مشخص باشد، تنها در یک زمان امکان وقوع دارد و از آنجا که روایات گذشته برای جمع آوری قرآن زمان‌های مختلفی را حکایت کرده‌اند، یا همه‌ی آنها بی اعتبارند یا تنها یک دسته از آنها صحیح است و سایر دسته‌ها از حجیت ساقط خواهند شد.

ششم: اگر کسی بگوید: تمام این روایات صحیح است و بین آنها می‌توان جمع کرد؛ در جواب خواهیم گفت: ضابطه‌ی جمع بین روایات، مخصوص احکام است و این اصول و ضوابط در اخبارات محال است. به عنوان نمونه، سه خبر فرض می‌شود؛ بر اساس خبر اول در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه نفر از صحابه قرآن را جمع آوری کرده‌اند، روایت دیگری از جمع آوری پنج نفر در همان دوران خبر دهد و حدیث سومی شش نفر را نام ببرد. این سه خبر با هم قابل جمع نیستند و به قطع دوتا از آنها یا هر سه دروغ هستند؛ چرا که در عالم واقع، امکان تحقق هر سه در یک زمان وجود ندارد، چون عمل یکی است و تنها یکی از اخبار می‌تواند درست باشد یا هیچ کدام صحیح نیست.

بنابراین در مورد روایات جمع آوری قرآن می‌گوییم: چون آنها از یک واقعیت خارجی خبر می‌دهند، باید به یک صورت اتفاق افتاده باشند. اما همان طور که ملاحظه شد، روایات جمع آوری قرآن حکایت از جمع آوری قرآن به صورت‌های مختلف می‌کنند. لذا

اگر در یک واقعه اختلاف وجود داشته باشد، هر کدام از این اختلافات مکذّب دیگری خواهد بود و همین چند دسته بودن روایات، عامل تکاذب و تساقط آنها می‌باشد.

## ۷. نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از مجموع روایات یاد شده، می‌گوییم: برخی از این روایات، صحیح و برخی ضعیف هستند و اختلاف‌های موجود در مضمون این اخبار باعث ایجاد تعارض و تناقض بین آنها شده است و تمام این روایات نیز خبر واحد می‌باشند، اما محفوف به قرائن قطعی هستند که می‌توان گفت: آنچه مورد پذیرش است اینکه رسول خدا ﷺ به حفظ و نوشتن آیه‌های الهی سفارش آکید می‌فرمود و این امر باعث می‌شد مسلمانان به حفظ و نوشتن آیه‌های نازل شده در طول بازه‌ی زمانی نزول وحی همت گمارند که نتیجه‌ی آن جمع‌آوری و تدوین کل آیه‌های قرآن به شکل متواتر در مجموع حافظه‌ها و نگاهشته‌های جداگانه‌ی مسلمانان شد. علاوه بر این، پیامبر ﷺ خود نیز هر آنچه از آیه‌های قرآن نازل می‌شد، آنها را توسط کاتب شخصی خود بر روی قطعه‌هایی از کاغذ، پوست، حریر و مواردی از این قبیل در نسخه‌ی خاصی ثبت کرده و نزد خویش نگاه می‌داشت، اما تدوین این آیه‌ها در یک مصحف که ابتدا و انتهای مشخصی داشته باشد، تا هنگام پایان یافتن نزول قرآن امکان نداشت؛ زیرا تا زمانی که رسول خدا ﷺ در حال حیات بود، هر لحظه احتمال نزول آیه‌های قرآنی می‌رفت. بنابراین طبیعی است که پس از یأس از نزول آیه‌های الهی که به پایان یافتن حیات شریف پیامبر اکرم ﷺ وابسته بود، قرآن قابل تدوین در یک مصحف بود. به همین جهت رسول خدا ﷺ این وظیفه‌ی مهم و خطیر را در وصیتی به قرآن ناطق و جانشین الهی خود سپردند که حافظ و مبین کتاب الهی بود. امیرمؤمنان علیؑ نیز پس از رحلت پیامبر ﷺ از وصیت آن حضرت ﷺ تبعیت کرد و به این مهم پرداخت. مصحف امیرمؤمنان علیؑ پس از تدوین به دلایلی پذیرفته نشد، اما از آن جا که قرآن نخستین مرجع تشریح دین اسلام و زیربنای ساخت جامعه‌ی اسلامی است، ضرورت داشت دستگاه خلافت وقت، از دیگر حافظان و کاتبان کلام الهی استفاده کنند تا با جمع‌آوری آیه‌های قرآن، از روی قطعات سنگ،

چوب، کاغذ، استخوان و سینه‌های حافظان، قرآن را ضبط نمایند و خلأ از دست رفتن حافظان قرآن را جبران کنند. هر چند این گردآوری از روی نسخه‌ی خاص رسول خدا ﷺ که نزد امیرمؤمنان ع بوده، صورت نپذیرفت، اما از روی نگاشته‌های پراکنده و جداگانه‌ی مسلمانان که با سفارش پیامبر اکرم ص نوشته شده بود و آنچه را که در سینه‌ها به صورت متواتر حفظ شده بود، صورت گرفت.

### فهرست منابع

قرآن مجید

- ابن ابی داود: عبدالله بن سلیمان (۳۱۶ق)، المصاحف، تحقق: محمد بن عبده، قاهره - الفاروق الحدیثه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م.
- ابن ابی شیبہ: عبدالله بن محمد (۲۳۵ق)، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض - مکتبه الرشد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- ابن حبان: محمد بن حبان (۳۵۴ق)، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت - مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
- ابن حجر عسقلانی: أحمد بن علی (۸۵۲ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت - دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی.
- ابن حنبل: أحمد بن محمد (۲۴۱ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل (المسند)، تحقیق: شعیب الأرنؤوط - عادل مرشد و دیگران، بیروت - مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
- ابن سعد: محمد بن سعد (۲۳۰ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت - دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
- ابن عبدالبر: یوسف بن عبدالله (۴۶۳ق)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت - دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
- ابن عدی: عبدالله بن عدی (۳۶۵ق)، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت - دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م.
- ابن عساکر: علی بن حسن (۵۷۱ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: عمرو بن غرامه العمری، بیروت - دارالفکر، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.
- ابن کثیر: إسماعیل بن عمر (۷۷۴ق)، البدایه والنهایه، تحقیق: علی شیری، بیروت - داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
- ابن مغزلی: علی بن محمد (۴۸۳ق)، مناقب علی بن ابی طالب Q، انتشارات سبط النبوی O، چاپ اول، ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.

- ابن ندیم: محمد بن إسحاق (۴۳۸ق)، الفهرست، تحقیق: إبراهيم رمضان، بیروت - دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.
- أبونعیم: أحمد بن عبدالله (۴۳۰ق)، حلیه الأولیاء وطبقات الأصفیاء، مصر - السعاده، ۱۳۹۴ق/۱۹۷م.
- أبونعیم: أحمد بن عبدالله (۴۳۰ق)، ذکر أخبار اصبهان، لیدن - بریل، ۱۹۳۴م.
- باقلانی: محمد بن طیب (۴۰۳ق)، الانتصار للقرآن، تحقیق: محمد عصام القضاة، عمّان - دارالفتح/بیروت - دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.
- بخاری: محمد بن إسماعیل (۲۵۶ق)، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه (صحيح البخاری)، تحقیق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بی جا - دارطوق النجاة (افست از سلطانیة)، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- بلاغی: محمد جواد بن حسن (۱۳۵۲ق)، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، صیدا - چاپخانه عرفان، ۱۳۵۲ق/۱۹۳۳م.
- بیهقی: أحمد بن حسین (۴۵۸ق)، السنن الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت - دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
- بیهقی: أحمد بن حسین (۴۵۸ق)، شعب الإيمان، تحقیق: عبدالعلی عبدالحمید حامد، ریاض - مکتبه الرشد/بومبای هند - الدارالسلفیة، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۳م.
- حاکم حسکانی: عبیدالله بن عبدالله (۴۹۰ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمد باقر محمودی، تهران - مجمع احیای فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- حاکم نیشابوری: محمد بن عبدالله (۴۰۵ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت - دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م.
- حر عاملی: محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، الفوائد الطوسیة، تحقیق: سید مهدی لازوردی و محمد درودی، قم - چاپخانه علمیه، ۱۴۰۳ق.
- حکیم: محمد باقر بن محسن (۱۴۲۴ق)، علوم القرآن، قم - مجمع الفكر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
- خویی: أبوالقاسم بن علی اکبر (۱۴۱۳ق)، البیان في تفسير القرآن، بیروت - دارالزهراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م.
- زرکشی: محمد بن عبدالله (۷۹۴ق)، البرهان في علوم القرآن، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهيم، قاهره - دار احیاء الکتب العربیة، چاپ اول، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۷م.
- سیوطی: عبدالرحمن بن أبی بکر (۹۱۱ق)، الإیتقان في علوم القرآن، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهيم، مصر - هیئته المصریة العامه للکتاب، ۱۳۹۴ق/۱۹۷۴م.
- سیوطی: عبدالرحمن بن أبی بکر (۹۱۱ق)، الدیباچ علی مسلم، عربستان سعودی - دارابن عفان، چاپ اول، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.
- سیوطی: عبدالرحمن بن أبی بکر (۹۱۱ق)، تاریخ الخلفاء، تحقیق: حمدی الدمرداش، مکه مکرمه - مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ اول، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م.

- طباطبایی: محمدحسین بن محمدقاضی (۱۴۰۲ق)، قرآن در اسلام، تصحیح: رضا ستوده، تهران - دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۴ق/۱۳۵۳ش.
- طبرانی: سلیمان بن أحمد (۳۶۰ق)، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، قاهره - مکتبة ابن تیمیہ، چاپ دوم، بی‌تا.
- عینی: محمود بن أحمد (۸۵۵ق)، عمدہ القاری شرح صحیح البخاری، بیروت - داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- قسطلانی: أحمد بن محمد (۹۲۳ق)، إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، مصر - چاپخانه امیریه، چاپ هفتم، ۱۳۲۳ق.
- قندوزی: سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴ق)، ینابیع المودہ لذوی القربی، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، بی‌جا - دارالأسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- مبارکفوری: محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم (۱۳۵۳ق)، تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت - دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- متقی ہندی: علی بن حسام الدین (۹۷۵ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: بکری حیانی وصفوہ السقا، بیروت - مؤسسہ الرسالہ، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- محب الدین طبری: أحمد بن عبد اللہ (۶۹۴ق)، الرياض النضرہ فی مناقب العشرہ، بیروت - دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، بی‌تا.
- مسلم نیشابوری: مسلم بن الحجاج (۲۶۱ق)، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول اللہ ﷺ (صحیح مسلم)، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت - داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- نسائی: أحمد بن شعیب (۳۰۳ق)، السنن الکبری، تحقیق: حسن عبدالمنعم شلبی، بیروت - مؤسسہ الرسالہ، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
- ہیثمی: علی بن ابی بکر (۸۰۷ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، تحقیق: حسام الدین القدسی، قاهره - مکتبہ القدسی، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.
- یعقوبی: أحمد بن ابی یعقوب (پس از ۲۹۲ق)، تاریخ یعقوبی، بیروت - دارصادر/قم - مؤسسہ نشر فرهنگ اهل بیت (علیہ السلام)، بی‌تا.